

## با گلی که هدیه می‌گیریم چه کنیم؟

مریم ملی | روزنامه نگار

هر وقت به دنبال هدیه‌ای می‌گردید که خیلی سریع تهیه بشود و شیک و مناسب هر موقعیتی هم باشد، گل یکی از بهترین گزینه‌هاست. این فقط گل است که هم می‌تواند هدیه تولد و تبریک باشد هم برای احترام و آشنایی به کسی تقدیم بشود و هم برای مراسم ختم کاربر داشته‌باشد. در دنیا اصول مشخصی برای گل هدیه دادن و هدیه گرفتن وجود دارد. اصولی که می‌گوید چه گلی را برای چه مراسمی هدیه بدهید و اگر کسی به شما گل داد چه واکنشی داشته‌باشید. گل گلایل در فرهنگ ما پای ثابت مراسم ختم شده است برای همین تقریباً نمی‌شود برای هیچ مناسبت دیگری این گل را به کسی هدیه داد، پس برای هدیه دادن بی خیال گلایل بشوید. در عوض رز یکی از پرطرفدارترین گل‌هاست، گلی که هم در مراسم تولد و هم قرارهای دوستانه و مناسبت‌ها و اعیاد، مردم به همدیگر هدیه می‌دهند. اگر به دلیل و مناسبتی خاص برای کسی گل را به عنوان هدیه انتخاب کرده‌اید سعی کنید شاخه یا دسته گل را طبق رنگ و سلیقه او انتخاب و تزئین کنید. اگر درباره علاقه‌اش اطلاعی ندارید بهتر است سراغ گل‌های خیلی خاص یا معطر نروید. موقعی که گل هدیه می‌گیرید حواس‌تان باشد که آن را در گوشه‌ای رها نکنید. شاید فکر کنید دسته گل تزئین‌شده را نباید باز کرد و در گلدان آب چید که خب در آداب اجتماعی کاملاً غلط است. برای آن که قدر دانی‌تان را نشان بدهید و بگویید که به این هدیه احترام می‌گذارید باید دسته گل را باز کنید و شاخه‌های گل و برگ را درون گلدان آب بگذارید. بهتر است تزئینات و روبان‌های آن را جلوی کسی که گل را هدیه داده دور نریزد.



## چرا گاهی نمی‌دانیم هنوز بچه‌ایم یا بالاخره بزرگ شده‌ایم؟

۲ نوجوان و یک کارشناس گپ و گفتی دارند درباره لاتکلیفی در نوجوانی

حسام صدق دوست

میز گرد

تا به حال فکر کرده‌اید که نوجوانی چه دوره‌ای از زندگی شماست؟ چه ویژگی‌هایی دارد و با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستید؟ نوجوانی دوره‌ای است که دو جمله متضاد را زیاد

به کدام ساز پدر و مادر بر تصمیم؟

مهمانان این جلسه که پیش از این برای ما مطالبی نوشته‌اند، ثابت کردند علاوه بر توانایی در نوشتن، در مصاحبه و مباحثه هم استادند. چیزی نگذشت که حس کردیم آن‌ها میزبان ما هستند. عارفه می‌گوید: «مسئله من این است که دغدغه‌هایم با والدینم فرق می‌کند. برای من ورزش و فعالیت‌های فوق برنامه مهم است در حالی که پدر و مادرم از من می‌خواهند فقط خوب درس بخوانم. به طور مثال یک مسابقه ورزشی که از اولویت‌های من است و مدت‌ها برای آن تمرین کرده‌ام، برای پدر و مادرم یک کار خیلی ساده و نه چندان جدی است». هلیا معتقد است: «من این چالش را با خانواده‌ام ندارم. معمولاً با آن‌ها صحبت می‌کنم و به تفاهم یا یک نقطه اشتراک می‌رسیم. سؤال من این است که نوجوانان ما چرا این قدر سعی دارند از فضای سنی خود فاصله بگیرند؟ چرا دوست دارند کاری کنند که دیگران آن‌ها را بزرگ سال ببینند؟» عارفه ادامه می‌دهد: «می‌خواهم استقلال بیشتری داشته باشم و خودم برای خودم تصمیم بگیرم. به نظرم وقتش شده از آن حالت وابستگی که در کودکی داشته‌ام رفته و فته فاصله بگیرم ولی والدینم هنوز این موضوع را نپذیرفته‌اند. درست است که گاهی به تصمیمات من بهای می‌دهند ولی هر جا خودشان بخواهند اعمال نظر می‌کنند». از طرفی بزرگ‌ترهای هلیا انتظارات متفاوتی از او دارند. او می‌گوید: «انتظارات والدینم باید متناسب با توانایی‌های من باشد. داشتن توقعات بیش از اندازه و انتظار رفتار کردن مثل بزرگ سالان باعث استرس من می‌شود. درست است که خانواده‌ها نباید به چشم بچه به ما نگاه کنند ولی این قدر بزرگ شدن هم به نظرم زود است».

راه رفتن روی لبه دیوار

نوجوانی مثل راه رفتن روی لبه دیوار است. در یک طرف دیوار نوجوانی، کودکی قرار دارد و در طرف دیگر جوانی یا آغاز بزرگ سالی. در هر لحظه می‌توان داخل یکی از این دو پیرید. بزرگ‌ترهای ما هم ممکن است هر لحظه ما را در یک طرف دیوار ببینند. بدشانسی وقتی است که ما یک طرف باشیم و آن‌ها فکر کنند طرف دیگر هستیم. مثلاً می‌خواهیم چیز جدیدی را تجربه کنیم یا درباره مسئله‌ای

اظهار نظر می‌کنم ولی می‌گویند: «تو هنوز بچه‌ای!». برای حل این مشکل چه باید کرد؟ اما بشنوید از عارفه: «سعی می‌کنم کارهایی را که قبلاً انجام نمی‌دادم، انجام دهم. مثلاً مسئولیت‌پذیر باشم، اموری را که به من واگذار می‌شود به نحو احسن انجام دهم یا حتی از بچه‌های کوچک مراقبت کنم». هلیا تجربه جالبی دارد. چون نوه اول فامیل است، خانواده معمولاً او را در طرف بزرگ سالی دیوار می‌بیند در حالی که خودش چندان تمایلی به بزرگ شدن پیش از موعد ندارد. او می‌گوید: «از من می‌خواهند الگوی کوچک‌ترها باشم ولی خودم نمی‌خواهم. درست است که از آن‌ها بزرگ‌ترم ولی برای الگو بودن زود است. شاید بخواهم تفریحی کنم که برای کودک‌ناک است. نباید چون بزرگ‌تر از آن‌ها هستم خودم را در همه امور محدود کنم. این چیزهای بزرگ شدن را دوست ندارم».

پس خوبی‌هایی هم دارد!

وقتی نوجوان بودم، این ضرب‌المثل را زیاد از والدین و معلمانم می‌شنیدم: «بیش می‌گن بار ببر می‌گه مرغم!» می‌گن تخم بذاری که شترم! نوجوانی در عین حال که زمان یاد گرفتن مسئولیت‌پذیری است، راه‌دروری خوبی هم هست. هلیا در ادامه بحث می‌گوید: «خوبی نوجوانی این است که کارهایی می‌توانیم بکنیم که دیگران نمی‌توانند. فارغ از دغدغه‌های بزرگ سالی و مسئولیت‌های گوناگون و وقت‌گیر و خسته‌کننده، هر چیز جدیدی را که بخواهیم می‌توانیم تجربه کنیم». ناخنک‌زدن به هر ورزش یا هنری، «رفتن به کلاس‌های مختلف و یاد گرفتن زبان‌های خارجی از این دست تجربه‌هاست. عارفه هم با این جملات در بحث شرکت می‌کند: «شما وقتی بزرگ‌تر هستید نمی‌توانید به راحتی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنید. روبه‌رو شدن با مسائل مختلف در بزرگ سالی سختی و دردهای خود را دارد ولی الان وضعیت خیلی متفاوت است؛ مثلاً وقتی از من می‌خواهند کاری انجام دهم، می‌گویم من فقط ۱۶ سالم است چطور این کار را بکنم؟ می‌گوید گاهی پیش می‌آید که می‌خواهم جایی بروم و بزرگ‌ترها مخالف‌اند، آن وقت می‌گویم من دیگر ۱۶ سالم شده! چرا نتوانم بروم؟»



رفقا سلام!

با آخرین روزهای تعطیلات چه می‌کنید؟ ویژه‌نامه مدرسه جوانه رو که فراموش نکردین؟ چهار روز دیگه فرصت دارین برامون شعر، داستان، یادداشت طنز و جدی با سوژه مدرسه بفرستین تا با اسم و عکس خودتون چاپ کنیم. آخرین روز تابستون رو دورهم جشن می‌گیریم- اندازه‌ای که از به صفحه کاغذی میشه برای جشن و سرور انتظار داشت- و به استقبال پاییز و مدرسه میریم.

نوجوان روزهای فرد

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹  
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶  
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰



مینی مهارت

## پیتزا رنگین کمان

الهام حبشی | روزنامه نگار

برای خیلی‌های مان پیتزا از آن غذاهایی است که هر گز از خordنش خسته نمی‌شویم. یک غذای منعطف که می‌تواند صد‌ها

طعم و قیافه متنوع به خود بگیرد و باز هم به خوشمزگی اولین بار باشد. در

ادامه این مطلب به سراغ یک پیتزای رنگانگ و سرتاپا گیاهی خواهیم رفت، پیتزایی متشکل از رنگ‌های رنگین کمان. اول از همه باید توجه داشته‌باشید خمیر پیتزایی که انتخاب کرده‌اید گرد است یا زویه‌دار. چگونگی چینش ردیف‌های رنگین کمان بر اساس دایره یا مربع بودن خمیر تعیین خواهد شد. اگر خمیرتان دایره‌ای است، ردیف‌های رنگی را حلقه حلقه تا مرکز دایره ادامه دهید و اگر خمیر مربع است، چینش ردیف‌ها را از یک سمت شروع کنید و تا سمت دیگر ادامه دهید. در ابتدا، طبق معمول روی خمیر اسس گوجه‌فرنگی بزنید و در مرحله دوم با یک لایه پنیر پیتزا آروی خمیر را بپوشانید. اگر به طعم قارچ در محتویات پیتزا اعتیاد دارید، چند لایه نازک قارچ، قبل از ریختن پنیر، روی خمیر قرار دهید. حالا مواد پیتزا را به ترتیب رنگ‌های رنگین کمان روی خمیر قرار دهید. کلم قرمز و پیاز بنفش را برای اولین بخش رنگین کمان، در قطعات کوچک خرد کنید و روی خمیر بریزید. اگر چغندر هم داشته‌باشید می‌توانید از آب‌پز شده آن استفاده کنید. از آن جایی که گیاه نیلی و آبی سراغ نداریم، این دورنگ را فاموش کنید و کار را با چهارمین رنگ ادامه دهید. خوشبختانه تنوع در گیاهان سبز رنگ خوراکی زیاد است. از کلم بروکلی گرفته تا زیتون، فلفل دلمه‌ای و انواع سبزی‌های مثل جعفری و ریحان. بعد از سبز نوبت رنگ‌رز خواهد بود. طبق سلیقه خودتان از ذرت یا سیب زمینی استفاده کنید. فلفل دلمه‌ای نارنجی، هویج یا کدو حلوایی سرخ‌شده هم جایگزین‌های بسیار مناسبی برای رنگ نارنجی هستند. در نهایت به خوش‌رنگ‌ترین بخش رنگین کمان یعنی قرمز می‌رسیم. ساده‌ترین انتخاب برای پر کردن جایگاه قرمز، گوجه‌فرنگی است. یادتان باشد همان پنیری که در مرحله دوم اضافه کردید، کافی است. در آخر پیتزای رنگین کمان را تا تکامل خمیر و ذوب شدن پنیر در فر قرار دهید.

اثار شما

## وقتی مُد خطرناک می‌شود

نرگس شریعتی | ۱۳ ساله

تا حالا شده لباس و کیف و کفش و هر چیزی را که مد می‌شود، سریع بخرید؟ من که اصالتاً وی خط این کار هانستم. فقط یک کم، آن هم وقت‌هایی که می‌بینم دوستانم هر هفته یک مدل لباس می‌پوشد و می‌گوید مد شده به ما مانم اصرار می‌کنم که من هم فلان لباس را می‌خواهم. مامانم هم که می‌بیند من دست‌بردار نیستم، می‌گوید «اونا آدمای مصرف‌گرایی هستند. تو که نمی‌خواهی مثل اونا باشی؟» و با این حرف بحث را خاتمه می‌دهد. یک چیزی می‌گویم، بین خودمان باشد مگر بد است هر هفته یک لباس بپوشی و جلوی دوستانت یز دهی؟ به نظر من که خیلی هم خوب است اما امان از دست قیمت‌ها! همین دوستانم یک بار که شلوار پاره‌مدش، کلی پول داد و شلوار پاره خرید. من هم به مامانم اصرار کردم که از این شلوارها می‌خواهم. برای اولین بار مامانم گفت «باشه الان می‌رم برات می‌خرم». بعدم رفتم توی اتاقم و با یک شلوار پاره آمد بیرون. شلوارم را پاره کرده بود! بعداً، از ته زدن موها مد شد. راستش از این مد تازه اصلاً خوشم نیامد ولی خب مد بود به هر حال و بدم نمی‌آمد امتحانش کنم اما چون از مد قبلی خاطره خوبی نداشتم، ترسیدم به مامانم بگویم. حتماً ریش‌تاش پدرم را بر می‌داشت و می‌گفت بیا موهایت را مدم روز بزنم.

عجایب

## یک ورزشگاه با ۲ زمین

تا حالا به این فکر کرده‌اید که بشود زمین چمن فوتبال یا هر ورزش دیگری را جابه‌جا کرد و توی یک ورزشگاه آن را حرکت داد؟ ژاپنی‌ها این کار را در یک ورزشگاه ۴۱ هزار نفری عملی کرده‌اند. «گنبد ساپورو» نام ورزشگاه سرپوشیده بزرگی در ژاپن است که توانایی میزبانی از هر دو ورزش بیسبال و فوتبال را دارد. این ورزشگاه سرپوشیده، زمین بیسبال درون خود دارد و برای تبدیل شدن به زمین فوتبال یک زمین چمن فوتبال که خارج از ورزشگاه قرار دارد به داخل آن آورده می‌شود. ضمناً زمین ۹۰ درجه هم می‌چرخد تا به خوبی برای تماشاگران قابل رویت باشد. مسقف بودن ساپورو با توجه به قرار گرفتن اش در منطقه‌ای برف‌ریز کمک می‌کند کاربری اش را در هر شرایطی حفظ کند.

## روبات و سواسی

استفاده از روبات‌ها در بعضی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای دنیا برای پک کردن قفسه کالاها، پیدا کردن موارد مشکل‌دار، قیمت‌گذاری و بررسی تاریخ تولید و انقضای جنس‌ها، خبر جدیدی نیست. حالا ما شاهد روباتی با چشمان ورقلمبیده و ظاهری دوست‌داشتنی به اسم «مارتی» در فروشگاه‌ها هستیم. مارتی در فروشگاه‌ها و بین قفسه‌های چرخ‌دار و مایعی، بودری یا هر چیزی از بسته‌های ورقلمبیده و بین قفسه‌ها و زمین ریخته‌باشد، با نور زردی که در بدنه‌اش ایجاد می‌کند به مشتریان تذکر می‌دهد که مراقب باشند و نیروهای خدماتی را هم برای تمیز کردن باخبر می‌کند.

این روبات همچنین از طریق اسکن، اطلاعات روی کالاها را به صورت تصادفی بررسی می‌کند و در صورتی که با اطلاعات داده‌شده به او مغایرت داشته‌باشد به مسئولان فروشگاه اطلاع‌رسانی می‌کند. هم‌اکنون حدود ۵۰۰ روبات مارتی در بیش از ۱۷۲ فروشگاه مشغول کار هستند.

